

## خلاصه تعریف برخی مصطلحات حدیثی

(از کتاب علم الحدیث محمد جمال الدین خوش خاضع)

۱. مستفیض: به سر حد تواتر نرسیده، در هر طبقه بیش از ۲، ۳ تن باشد.
۲. مشهور: اشتهار یافته هر چند یا سند ندارد یا در برخی طبقات بیش از یک نفر نقل نکرده: الصلوه معراج المومن - انما الاعمال بالنیات
۳. عزیز: در هر طبقه دو نفر از دو نفر نقل کرده - یا - در هر طبقه دو نفر نقل کرده. / عز: ندرت، کمی - عز: قدرت و استقامت
۴. متفق (متفقات): بیشتر یا چند تن از پیشوایان حدیث نقل کنند: متفقات بخاری و مسلم
۵. متفرد (متفردات): فقط یکی از پیشوایان حدیث نقل کرده: متفردات مسلم
۶. غریب:
  - a. غریب الالفاظ: لغات و الفاظ مشکل و دور از استعمال - کتب غریب الحدیث: الفائق جارالله زمخشری، النهایه ابن اثیر، مجمع البحرین طریحی
  - b. غریب المتن یا مفرد: در طبقه اول فقط یک نفر نقل کرده
  - c. غریب الاسناد: در تمام طبقات یک نفر از یک نفر نقل کرده
  - d. غریب المتن و الاسناد: نقل حدیث معروفی از صحابی که دیگران از او نقل نکرده‌اند
۷. مسند: سند تا معصوم مذکور و متصل باشد
۸. متصل یا موصول:
  - a. متصل مطلق: بدون انقطاع تا معصوم
  - b. متصل نسبی: بدون انقطاع تا یکی از شیوخ یا صحابه: شامل موقوف و مرفوع می‌شود.
۹. معنعن: تصریح به لفظ عن فلان
۱۰. مؤنن: مسندی که لفظ آن در نقل یکایک روات باشد: حدثنا فلان أن فلاناً حدثه...
۱۱. مرفوع: از وسط یا آخر یک یا چند نفر افتاده اما تصریح به رفع کند: «کلینی عن علی بن ابراهیم عن ابیه رفعه الی الصادق(ع) قال ...»
۱۲. معلق: از اول سلسله سند یک یا چند تن افتاده - احادیث من لا یحضر و برخی احادیث تهذیب و استبصار معلقند اما طرق متروکه در آخر کتابشان ذکر شده.
۱۳. مفرد:
  - a. مفرد مطلق یا غریب المتن: در طبقه اول فقط یک نفر نقل کرده
  - b. مفرد نسبی: انفراد نسبی مانند نقل یک شهر خاص - مثلاً فقط کوفیان نقل کرده اند یا بصریان.
۱۴. شاذّ یا نادر: در مقابل و معارض حدیث مشهور - در مقابل و معارض حدیثی که روایانش حافظ‌ترند.

۱۵. محفوظ: مشهوری که حدیث شاذی با آن مخالف باشد.
۱۶. متابع و شاهد:
- a. متابع: افراد سلسله سند حدیثی با راویان حدیث مفردی که همان مضمون را نقل کرده یکی باشند.
- b. شاهد: مضمون حدیث مفردی با سلسله سند دیگری نقل شود.
- c. گاه متابع و شاهد به یکدیگر اطلاق می‌شوند.
۱۷. اعتبار: تتبع و جستجوی طرق حدیث در کتب دیگر - تا حدیث اگر متابع است یا متابعی دارد از انفراد خارج شود.
۱۸. مدرّج: راوی کلام خود یا بعضی راویان را در متن یا زنجیره اضافه کند و موجب اشتباه سخن با کلام معصوم شود.
۱۹. مکاتب: به دستخط معصوم - چه در جواب سوال، چه ابتدائاً املا کرده باشد.
۲۰. مصحّف: قسمتی از سند یا متن به کلمه یا عبارت مشابه تغییر کند.
۲۱. محرّف: در سند یا متن، کم و زیاد شده یا حرفی به جای حرف دیگر نهاده شده
۲۲. عالی: متصل السند قلیل الوسائط - نسبت به نظایر آن حدیث
۲۳. نازل: متصل السند کثیر الوسائط - نسبت به نظایر آن حدیث
۲۴. مساوات: تعداد و اشخاص راویان حدیثی که شیخ حدیث یا صاحب صحاح نقل کرده با هم مساوی باشند.
۲۵. مصافحه: تعداد راویان حدیثی که شیخ حدیث یا صاحب صحاح نقل کرده با هم مساوی باشند اما راویان متفاوت باشند. به این معاست که راویان هم طبقه بوده و همدیگر را مصافحه کرده‌اند.
۲۶. روایة الاقران: راوی با کسی که از وی روایت کرده در سن یا ملاقات شیخ مساوی باشند. مانند روایت چند صحابی از یکدیگر
۲۷. مدبّج: دو قرین از یکدیگر نقل حدیث کنند. دیباج به معنای صورت و رخسار
۲۸. روایة الاکابر عن الاصاغر: بزرگ از کوچک، پدر از پسر، صحابی از تابعی نقل حدیث کند. خطیب بغدادی کتابی نوشته در این مورد
۲۹. معروف: مضمون آن نسبت به مخالفش بین روات اشتهار دارد.
۳۰. منکر: فقط یک نفر غیر ثقه نقل کرده و مخالف معروف است. گاهی مردود هم می‌گویند.
۳۱. متروک: در سلسله سند حدیثی منکر، فرد متهم به کذب وجود دارد و مخالف با قواعد است. گاهی مردود هم می‌گویند.
۳۲. مطروح: مخالف دلیل قطعی و غیر قابل تأویل
۳۳. مسلسل: تمامی یا بیشتر سلسله سند تا معصوم ویژگی یکسانی دارد.
۳۴. مزید: در متن یا سند زیادتی است که در حدیث همسان نیست.

۳۵. ناسخ و منسوخ: ناسخ حکم شرعی ثابت در قرآن یا حدیث را بردارد و منسوخ آن که ناسخ حکم آن را نسخ کرده است.

۳۶. محکم: مقبولی که معارض نداشته باشد

۳۷. متشابه:

a. متشابه السند: اسم راویان یکی، اسم پدر در تلفظ متفاوت - اسم و اسم پدر یکی، لقب متفاوت (متفق و متفرق)

b. متشابه المتن: در مفاد و معنای آن دو احتمال مساوی داده شود.

۳۸. نص، ظاهر، مجمل، مؤول:

a. معنای حدیث:

i. یک احتمال دارد: نص

ii. چند احتمال دارد:

۱. یکی راجح: ظاهر

۲. انتخاب مرجوح بر خلاف ظاهر بواسطه شواهد: مؤول

۳. عدم رجحان هیچ احتمالی: مجمل

۳۹. مجمل و مبین: مبین، الفاظ متن ظاهر الدلاله است - مجمل، الفاظ متن ظاهر الدلاله نباشند.

۴۰. مقبول و مردود:

a. مقبول: با وجود عدم صحت اصطلاحی، علما مضمونش را قبول و طبق آن عمل کرده‌اند.

b. مردود: بواسطه عدم اطمینان به صدق، مورد عمل علما نباشد.

۴۱. معتبر: به مضمون آن عمل شده یا دلیلی بر اعتبارش باشد مانند آمدن در اصول معتمده

۴۲. مشترک: نام یکی از رجال سند بین ثقه و غیر ثقه مشترک است. کتب: مشترکات کاظمی، مشترکات طریحی

۴۳. متفق و متفرق: بعضی روایات در نام و نام پدر هم‌نام راویان حدیث دیگری باشند.

۴۴. مؤتلف و مختلف: در سلسله سند نام کسی باشد که به دو شکل خوانده شود. حبان، جریر، یزید و...

۴۵. مختلف: احادیث متعارض با هم

۴۶. مشکل: شامل الفاظ یا معانی مشکل

۴۷. موقوف: از صاحب معصوم نقل شده بدون اسناد به معصوم

۴۸. اثر: موقوفی که از صحابی پیامبر نقل شده

۴۹. مرسل: آخرین راوی از معصوم، مذکور یا معلوم نباشد - یا - از سلسله سند بیش از یک نفر یا کل آن حذف شده باشد - حجیت مراسلات نزد شیعه: اصحاب اجماع

۵۰. مضمّر: راوی نام معصوم را ذکر نکند

۵۱. مقطوع: حدیثی که از تابعین نقل شود

۵۲. منقطع: یک نفر از وسط زنجیره سند افتاده باشد.
۵۳. معضل: از آغاز یا وسط سلسله سند دو نفر یا بیشتر، پشت سر هم حذف شده باشند.
۵۴. معلل: علت حکم بیان شده - یا - در سند یا متن، ضعف و قدحی وجود دارد که در ظاهر مشهود نیست (معلول)
۵۵. مدلس: عملی که باعث اعتبار روایت شود انجام شود بدون آنکه حدیث آن خصوصیت را داشته باشد
۵۶. مضطرب: متن یا سند، مختلف نقل شده باشد
۵۷. مقلوب: عبارتی از متن یا نام بعضی از راویان پس و پیش شده باشد
۵۸. مهمل: بعضی رجال آن در کتب رجالیه ذکر نشده یا علیرغم ذکر، وصفی نشده باشد
۵۹. مجهول: نسبت به عقیده و مذهب برخی رجال آن، مدح و قدحی در کتب نیست.
- a. تقسیم میرداماد:
- i. مجهول لغوی: نام برخی روات در کتب نیامده
- ii. مجهول اصطلاحی: ائمه رجال، یکی از راویان آن را جاهل اعلام کرده باشند
۶۰. مختلق یا موضوع: راوی حدیث را از خود ساخته باشد.